

Qur'an and Bible and the Issue of the Fulfillment of Prophecies

Mohammad Sahhaf Kashani  *

Assistant Professor of Philosophy and
Theology, Islamic Science and Culture
Research Institute, Qom, Iran

Abstract

The Qur'an and the Testaments (Bible) contain hundreds of prophecies about small and big events in the future, but this issue is more important in the Testaments. Prophecies form a large part of the Old and New Testaments. In Christian theology, the term prophet refers to a person who predicts future events, and the occurrence of a prophecy is a sign of the authenticity of the prophet's claim. By examining the prophecies in Ahedin, we can see that some of these prophecies are vague, general and without time and place restrictions, etc., and as a result, it is not possible to verify their accuracy. On the other hand, some of these prophecies have characteristics such as time, place, or other limitations, and as a result, it is possible to verify the accuracy of these prophecies by referring to historical documents. For a long time, research and research on this category of prophecies and their verification has been considered as one of the methods of validating the vows. According to the opinion of many researchers, the realization of some of Ahedin's prophecies is doubtful; Also, in some cases, it can be said with certainty that they will not be realized. Of course, on the other hand, traditional Christian scholars and commentators of the Bible have defended these prophecies by providing different interpretations or interpreting these phrases in many cases, although in some cases they have accepted the non-fulfillment of these prophecies. The results of this research show that although many of the prophecies of the Covenant were fulfilled, some of the prophecies of the Covenant were never fulfilled, and this issue is considered one of the issues of concern to the critics of the Covenant to prove the distortion in this book, while this issue is about the Qur'an. It cannot be seen and all the timely prophecies of the Qur'an have come true.


Keywords: Promises, Prophecy, Prophet, Unfulfilled Prophecy.

* Corresponding Author: mskashani@chmail.ir

How to Cite: Kashani, Mohammad Sahhaf. (2023). Qur'an and Covenants and the Issue of the Fulfillment of Prophecies. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology*. 4 (6). 125-144.



قرآن و عهدین و مسأله تحقق پیشگویی‌ها

محمد صحاف کاشانی *  | استادیار فلسفه و کلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

چکیده

در قرآن و عهدین (بایبل) دربردارنده صدها پیشگویی درباره اتفاقات کوچک و بزرگ آینده هستند، ولی این مسأله در عهدین اهمیت بالاتری دارد. پیشگویی‌ها بخش گسترده‌ای از عهد عتیق و عهد جدید را تشکیل می‌دهند. در الهیات مسیحی، اصطلاح نبی ناظر به شخصی است که به پیشگویی وقایع آینده می‌پردازد و وقوع پیشگویی نیز نشانه‌ای بر صحت ادعای نبی است. با بررسی پیشگویی‌های موجود در عهدین می‌توان دریافت که برخی از این پیشگویی‌ها به صورت مبهم، کلی و بدون قیود زمانی و مکانی و... ذکر شده‌اند و در نتیجه، صحت سنجی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در سوی دیگر، برخی از این پیشگویی‌ها مشخصه‌هایی مانند زمان، مکان و یا سایر قیود دارند و در نتیجه، می‌توان با مراجعه به اسناد تاریخی، به صحت سنجی این پیشگویی‌ها پرداخت. از دیرباز، تحقیق و پژوهش درباره این دسته از پیشگویی‌ها و راستی آزمایی آن‌ها، به عنوان یکی از روش‌های اعتبارسنجی عهدین مورد توجه قرار داشته‌است. به عقیده بسیاری از محققان و پژوهشگران، تحقق یافتن برخی از پیشگویی‌های عهدین مورد تردید است؛ همچنان که در مواردی می‌توان با اطمینان از تحقق نیافتن آن‌ها سخن به میان آورد. البته در سوی مقابل، عالمان سنتی مسیحی و مفسران کتاب مقدس در بسیاری از موارد با ارائه تفاسیری متفاوت و یا با تأویل بردن این عبارات، به دفاع از این نبوت‌ها پرداخته‌اند، هر چند در مواردی نیز عدم تحقق این پیشگویی‌ها را پذیرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گرچه بسیاری از پیشگویی‌های عهدین محقق شدند، اما برخی از پیشگویی‌های زمانمند در عهدین هرگز محقق نشدند و این مسأله یکی از موضوعات مورد توجه منتقدان عهدین برای اثبات تحریف در این کتاب شمرده می‌شود، در حالی که این مسأله درباره قرآن دیده نمی‌شود و تمام پیشگویی‌های زمانمند قرآن تحقق یافتند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، پیشگویی، نبی، پیشگویی تحقق نیافته.

۱. مقدمه

متن مقدس هر دین، اساس آن دین شناخته می‌شود. متن مقدس مسلمانان، قرآن و متن مقدس مسیحیان، شامل دو بخش عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد که به نام عهدین و یا بایبل شناخته می‌شود. در متون مقدس، معمولاً پیشگویی‌هایی دیده می‌شود و تحقیق این پیشگویی‌ها اهمیت زیادی در راستی آزمایی این متون مقدس دارد.

مسأله پیشگویی در متون مقدس مسیحی اهمیت بسیار بالایی دارد. دانشنامه کاتولیک، دو مفهوم بشارت و نبوت را مترادف یکدیگر دانسته‌است و هر دو را به معنی پیشگویی آورده‌است. این دانشنامه، بشارت‌ها (پیشگویی‌های) عهدین را به دو نوع متعارف و ویژه تقسیم کرده‌است. بر اساس تعریف مذکور، بشارت عبارت است از پیشگویی وقایع آینده که به طور معمول از نظرها پنهان است و با نور طبیعی عقل شناخته نمی‌شود (Broderick, 1990).

درباره این موضوع کتاب‌هایی تدوین شده‌است؛ از جمله:

- Payne, J. B. (2020). *Encyclopedia of Biblical Prophecy: The Complete Guide to Scriptural Predictions and Their Fulfillment*. Wipf and Stock Publishers.
- Lockyer, H. (1988). *All the Messianic Prophecies of the Bible*. Zondervan.
- Nissinen, M. (2017). *Ancient Prophecy: Near Eastern, Biblical, and Greek Perspectives*. Oxford University Press.
- Hibbard, J. T. (2011). "True and False Prophecy: Jeremiah's Revision of Deuteronomy". *Journal for the Study of the Old Testament*. Vol. 35 (3). Pp. 339-358.
- Bowen, N. R. (1994). *The Role of Yhwh as Deceiver in True and False Prophecy*. Princeton Theological Seminary.

کامرانیان، عباسعلی. (۱۳۸۹). *پیشگویی‌های قرآن مجید*. نور قرآن و اهل البیت.

ولی این آثار بیشتر بر پیشگویی‌های تحقق‌یافته و یا در شرف تحقق استوار می‌باشد، ولی پیشگویی‌ها در کتاب مقدس مسیحیان با چالش بزرگی روبه‌رو هستند و آن اینکه بسیاری از آن‌ها اصولاً هیچ‌گاه تحقق نیافتند و این مسأله می‌تواند اعتبار کتاب مقدس را با چالشی جدی روبه‌رو سازد. از همین رو، بررسی این دسته از پیشگویی‌ها برای منتقدان کتاب مقدس و نیز یافتن پاسخ آن برای مدافعان کتاب مقدس اهمیت بالایی دارد و اثبات عدم تحقق پیشگویی می‌تواند اعتبار کتاب مقدس یا قرآن را زیر سؤال ببرد و اثبات تحقق پیشگویی‌ها هم می‌تواند تأییدی بر حقانیت آن متن مقدس شمرده شود و از همین رو، مسأله تحقیق پیشگویی‌ها برای منتقدان و مدافعان کتاب مقدس و نیز قرآن اهمیت بالایی دارد.

در متون منتشره درباره شناخت و نقد و بررسی مسیحیت تاکنون کمتر به این مسأله توجه شده است و این مقاله از این نظر، اثر تازه و جدیدی درباره عدم تحقق پیشگویی‌ها شمرده می‌شود.

پیشگویی‌های قرآن

در قرآن صدها پیشگویی از پیامبر اسلام نقل شده است که بسیاری از آن‌ها رخ داده است؛ از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: غلبه رومیان پس از شکست: ﴿غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ (الروم / ۲)، مرگ ابولهب و همسر او ام‌جمیل، بر حالت کفر: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ... سَبَّحْتُمُ النَّارَ ذَاتَ لَهَبٍ وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ (المسد / ۴)، مرگ ولیدبن مغیره بر حالت کفر و شرک: ﴿سَأَصْلِيهِ سَقَرًا﴾ (المدثر / ۲۶-۲۷)، شکست - قریش در جنگ بدر: ﴿أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنتَصِرُونَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُثَلِّثُ الدُّبُرَ﴾ (القمر / ۴۵)، وعده پیروزی بر یکی از دو کاروان دشمن در جنگ بدر: ﴿وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ﴾ (الأنفال / ۷)، پیش‌بینی پیروزی پیامبر بر مشرکان مکه: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرَضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ إِنَّا كَفِينَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (الحجر / ۹۳-۹۵) و پیش‌بینی فتح مکه: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ (القصص / ۸۵). البته در قرآن پیشگویی‌هایی درباره آخرالزمان و روز قیامت وجود دارد که هنوز زمان وقوع آن فرانسیده است، ولی تمام پیشگویی‌های زمانمند قرآن محقق شدند و منتقدان قرآن در این زمینه، مطلب قابل ارائه‌ای ندارند و مبتنی بر روش راستی‌آزمایی بایبل که تحقق پیشگویی را یکی از دلایل راستی‌آزمایی مدعی نبوت بیان می‌کند (ر.ک؛ تثنیه ۱۸: ۲۲؛ ارمیا ۱۴: ۱۴ و ارمیا ۹: ۲۸) و می‌توان تحقق پیشگویی‌های قرآن را دلیلی بر صدق ادعای پیامبری پیامبر اسلام (ص) عنوان نمود.

پیشگویی‌های بایبل

در سنت مسیحی، انبیای عهد عتیق به کسانی گفته می‌شود که آینده را آشکار می‌کردند (Wilson, 1987: P. 16). در بایبل، تحقق پیشگویی یکی از روش‌های راستی‌آزمایی مدعیان نبوت معرفی شده است. در سفر تثنیه آمده است: «و اگر در دل خود گویی: سخنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص نمایم. هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید، اگر آن چیز

واقع نشود و به انجام نرسد، این امری است که خداوند نگفته، بلکه آن نبی این را از روی تکبر گفته است. پس، از او نترس» (تثنیه ۱۸: ۲۲). در ارمیا نیز تأکید شده است:

«پس خداوند مرا گفت: این انبیا به اسم من به دروغ نبوت می‌کنند. من ایشان را نفرستادم و به ایشان امری نفرمودم و تکلم نمودم، بلکه ایشان به رؤیاهای کاذب و سحر و بطالت و مکر دل‌های خویش برای شما نبوت می‌کنند» (ارمیا ۱۴: ۱۴).

ارمیا همچنین می‌گوید: «اما آن نبی که درباره صلح و آرامش پیشگویی می‌کند، زمانی ثابت می‌شود از جانب خداوند سخن گفته است که پیشگویی‌اش به انجام برسد» (ارمیا ۹: ۲۸). آلامو می‌نویسد هر کس پیشگویی عهد قدیم را مشاهده کند، و حیانی بودن این کتاب را تصدیق خواهد کرد و به کلام کتاب مقدس ایمان خواهد آورد (2: Alamo, 1980). همچنین، در عهد عتیق و هم در بخش عهد جدید، پیشگویی‌ها بخش شایسته توجهی را به خود اختصاص می‌دهند. در دسته‌بندی موضوعی کتاب‌های عهد عتیق، ۱۷ کتاب با عنوان کتاب‌های پیشگویی قرار می‌گیرند که این مسأله، اهمیت و جایگاه ویژه پیشگویی در دوره عهد عتیق را نشان می‌دهد. از مجموع ۲۳۲۱۰ آیه عهد عتیق، ۶۶۴۱ آیه جزء پیشگویی‌های کتاب مقدس محسوب می‌شوند (Hitchcock, 2001: 13). در عهد جدید نیز از مجموع ۷۹۴۱ آیه، ۱۷۱۱ آیه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به پیشگویی مربوط می‌شود (Wayne, 2003: 17-101).

۲-۱. پیشگویی‌های تحقیق‌یافته

بسیاری از پیشگویی‌های عهد عتیق تحقیق‌یافته‌اند؛ از جمله: ناحوم (۶۳۰ ق.م). پیشگویی کرد که خدا نینوا، پایتخت آشوریان را نابود می‌کند (ر.ک؛ ناحوم ۳: ۷)، یا یوئیل (۷۵۰ ق.م). پیشگویی حمله ملخ‌ها به مزارع را نمود (ر.ک؛ یوئیل ۱: ۴). اشعیا آمدن کورش و بازسازی مجدد هیکل را پیشگویی می‌کند (اشعیا ۴۴: ۲۸)، یا در پیشگویی‌ها، آمدن پیامبرانی مانند حضرت یحیی^(ع) (ر.ک؛ اشعیا ۴۰: ۳)، الیاس^(ع) (ر.ک؛ ملاکی ۴: ۵)، حضرت مسیح (ر.ک؛ ارمیا ۵۰: ۶؛ اشعیا ۷: ۱۴؛ حزقیال ۳۴: ۲۳-۲۴؛ میکاه ۵: ۴) و... پیشگویی شده است.

۲-۲. پیشگویی‌های مورد اختلاف

اما یکی از چالش‌هایی که کتاب مقدس با آن روبه‌روست، این است که بعضی از پیشگویی‌های کتاب مقدس در زمان مقرر، تحقیق نیافته‌اند. این در حالی است که تحقیق پیشگویی یکی از نشانه‌های صحت ادعای پیامبر محسوب می‌شود. از دیرباز مناقشات گسترده‌ای میان مدافعان و

منتقدان بایبل در این زمینه وجود داشته‌است. در این تحقیق، درصدد بررسی پیشگویی‌های مورد نزاع در بایبل هستیم.

۲-۲-۱. نابودی اقوام هفتگانه

وقتی حضرت موسی (ع) به همراه بنی اسرائیل از مصر راهی سرزمین‌های موعود می‌شوند، خدا به آن‌ها وعده تصرف فلسطین و نابودی چند قوم ساکن این منطقه را داده، می‌فرماید: «و فرشته‌ای پیش روی تو می‌فرستم و کنعانیان و اموریان و حتیان و فرزیان، حویان و یبوسیان را بیرون خواهیم کرد» (خروج ۳۳: ۲). همچنین، وعده می‌دهد: «آنچه را امروز به تو امر می‌فرمایم، نگاه دار. من اموریان، کنعانیان، حتیان، فرزیان، حویان و یبوسیان را از برابر تو خواهیم راند» (خروج ۳۴: ۱۱). در تثنیه نیز می‌فرماید:

«و یهو، خدایت، این قوم‌ها را از حضور تو به تدریج اخراج خواهد نمود. ایشان را به زودی نمی‌توانی تلف نمایی. مبادا وحوش صحرا بر تو زیاد شوند، لیکن یهو، خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم خواهد کرد و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند و ملوک ایشان را به دست تو تسلیم خواهد نمود، تا نام ایشان را از زیر آسمان محو سازی، و کسی یارای مقاومت با تو را نخواهد داشت، تا ایشان را هلاک سازی» (تثنیه ۷: ۱۷-۲۴).

همچنین، خداوند بر این عهد با یوشع تأکید می‌کند: «خدای زنده در میان شماست و او کنعانیان و حتیان و حویان و فرزیان و جرّاشیان و اموریان و یبوسیان را از پیش روی شما البته بیرون خواهد کرد» (یوشع ۳: ۹-۱۱). در کتاب اعمال رسولان، تحقق این پیشگویی نیز ادعا شده‌است: «او هفت قوم را که در کنعان بودند، نابود ساخت و سرزمینشان را به قوم خود به میراث داد» (اعمال ۱۳: ۱۹).

پژوهش بیشتر در کتاب‌های عهد عتیق، این نکته را آشکار می‌سازد که کنعانیان پس از زمان موسی و یوشع نیز نابود نشده بودند و همچنان در فلسطین حضور داشتند؛ از جمله نقل شده که یواب، فرمانده لشکر داوود، به قلعه صور آمد. از همه شهرهای حویان و کنعانیان گذشتند، تا به بئر شبع در جنوب یهودا رسیدند (دوم سموئیل ۲۴: ۷). در زمان سلیمان، فرعون پادشاه ساکنان کنعانی شهر جازر را می‌کشد (ر.ک؛ اول پادشاهان ۹: ۱۶) و در اول پادشاهان نیز تأکید شده‌است:

«فرزندان، بازماندگان اموریان، حتیان، فرزیان، حویان و یبوسیان که از مردم اسرائیل نبودند و نیز فرزندانشان که بعد از آن‌ها در آن سرزمین باقی مانده بودند و مردم

اسرائیل نتوانستند که آن‌ها را به کلی از بین ببرند، سلیمان به عنوان برده، آن‌ها را به کار می‌گرفت و تا به امروز برای مردم اسرائیل خدمت می‌کنند» (اول پادشاهان ۹: ۲۰-۲۱).
در زمان بازگشت از اسارت بابل نیز هنوز این اقوام هفتگانه که قرار بود نامشان از زیر آسمان محو شود، حضور داشتند و بنی‌اسرائیل را به گناه آلوده می‌کردند، چنان‌که عزرا می‌گوید:

«بعد از آن، رهبران قوم یهود آمده، به من گفتند که مردم، کاهنان و لایوان، خود را از اقوام همسایه، یعنی مردم عمون، موآب و مصر و همچنان از کنعانیان، حِتیان، فرزندان، و یبوسیان و اموریان جدا نگاه نداشته‌اند. آن‌ها کارهای ناشایست این مردمان را انجام می‌دادند» (عزرا ۹: ۱).

۲-۲-۲. از نسل یهوایقیم و یهوایکین کسی به سلطنت نخواهد رسید

ارمیا در ۶۲۶ ق.م. به پیامبری رسید و به مدت چهل سال نبوت کرد. او تلاش داشت کشور یهودیه را از ویرانی به دست بابلیان نجات دهد. در این زمان، یهوایقیم وی را به زندان انداخت. در سال چهارم حکومت یهوایقیم، در حالی که ارمیا در زندان به سر می‌برد، خداوند به او دستور داد تا نبوت‌هایش را در کتابی گردآوری کند، به نحوی که قوم بتواند آن‌ها را بخواند. کار نوشتن و تهیه کتاب یک سال یا کمی بیشتر به طول انجامید. پس از تدوین کتاب، بعضی از شاهزادگان و درباریان عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتند، اما یهوایقیم پادشاه، گستاخانه کتاب را سوزاند. این عمل پادشاه خشم خداوند را برافروخت. خداوند او را مجازات کرده، به او هشدار داد: «ای یهوایقیم، پادشاه یهودیه، از نسل تو کسی بر تخت پادشاهی داوود تکیه نخواهد زد» (ارمیا ۳۶: ۳۰). اما این پیشگویی و فرمان الهی رخ نداد و بعد از یهوایقیم فرزندش بر کرسی سلطنت تکیه زد؛ چنانکه در کتاب دوم پادشاهان آمده است: «پس یهوایقیم با پدران خود خوابید و پسرش یهوایکین به جایش پادشاه شد... و یهوایکین هجده ساله بود که پادشاه شد... و آنچه را که در نظر خداوند ناپسند بود، موافق هر آنچه پدرش کرده بود، به عمل آورد» (دوم پادشاهان ۲۴: ۹-۶). این پیشگویی محقق نشده، عالمان مسیحی را با چالشی مهم روبه‌رو کرده است. یکی از مفسران مسیحی در توجیه این اشتباه اظهار می‌دارد: «[این پیشگویی که یهوایقیم] هیچ کس را برای نشستن بر تختش نخواهد داشت، تحقیق یافت» (دوم پادشاهان ۸: ۲۴ و غیره؛ دوم پادشاهان ۲۵: ۱-۳۰). او جانشینانی داشت، ولی نه از اعقاب مستقیم خودش، به غیر از پسرش یهوایکین که سه ماه سلطنت کرد و هیچ به حساب می‌آید. صدقاً پسر یهوایکین نبود، بلکه عموی وی بود و در تحقیر او و پدرش یهوایقیم بر تخت نشست.

اگرچه یهوایکین سه ماه و ده روز بیشتر در اورشلیم سلطنت نکرد، اما همین زمان هم پیشگویی ارمیا را نقض می‌کند. همچنین، درباره نسل فرزندش یهوایکین نیز مجدداً پیشگویی شده که از نسل یهوایکین نیز هیچ کس بر کرسی داوود نخواهد نشست. خداوند چنین می‌فرماید:

«این مرد، یهوایکین، کوزه‌ای حقیر و شکسته است! ظرفی که هیچ کس طالب آن نیست! چرا او و نسلش بیرون افکنده شده و به سرزمینی که نمی‌شناسند، پرتاب گردیده‌اند؟... این شخص را بی‌اولاد و کسی که در روزگار خود کامیاب نخواهد شد، بنویس؛ زیرا هیچ کس از ذریت وی کامیاب نخواهد شد و بر کرسی داوود (דָּוִד) نخواهد نشست» (ارمیا ۲۲: ۲۷-۳۰).

ولی عهد عتیق بیان می‌کند که به غیر از یهوایکین، نوادگان یهوایقیم و یهوایکین نیز تا سال‌ها بعد رهبر بنی اسرائیل و حکمران یهودیه بودند؛ از جمله زمانی که بنی اسرائیل در تبعید بودند، نوه‌اش، سالتیل، هدایت قوم در تبعید را به عهده گرفت و پس از وی نیز فرزندش، زروبابل، رهبر بنی اسرائیل بود. در زمان زروبابل، کورش بابل را فتح کرد و به قوم یهودا اجازه داد به فرماندهی زروبابل به سرزمین فلسطین برگردند. وی ظروف مقدس طلایی را از کورش گرفت و به اورشلیم برگرداند و حاکم یهودیه شد و شروع به بازسازی معبد سلیمان نمود (زکریا ۴: ۶-۱۰). این هیکل تا ۵۰۰ سال برپا بود. زروبابل اولین حاکمی بود که شرایع و رسوم دینی را برای جماعت بیان کرد و در بنای هیکل، جد و جهد تمام به جای آورد و در دیانت و وطن‌خواهی معروف بود (عزرا ۳: ۲-۱۳).

مطابق با «انجیل متی ۱: ۱۲»، «حجی ۱: ۱ و ۱۴ و ۱۲»، «عزرا ۳: ۲ و ۸»، «عزرا ۵: ۲» و «نحمیا ۱۲: ۱»، زروبابل پسر سالتیل است. همچنین، در انجیل متی و اول تواریخ، پدر بزرگ زروبابل، یهوایکین است (متی ۱: ۱۲ و اول تواریخ ۳: ۱۹). به علاوه، در انجیل متی و اول تواریخ، زروبابل از دودمان سلیمان معرفی می‌شود (متی ۱: ۱۲ و اول تواریخ ۳: ۱۹). اما این پیشگویی با چالشی جدی روبه‌رو است و آن اینکه این پیشگویی در تعارض مستقیم با یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های مسیحی قرار می‌گیرد؛ زیرا طبق پیشگویی‌های عهد عتیق، مسیح بر کرسی داوود تکیه خواهد زد. در دوم سموئیل، خداوند به داوود می‌فرماید که سلطنت تو تا ابد استوار خواهد بود:

«زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابید و ذریت تو را که از صُلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهم ساخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه‌ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار

خواهم ساخت... و خانه و سلطنت تو به حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند» (دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۶).

اشعیا نیز پیشگویی می‌کند:

«ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داوود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود، تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صباپوت این را به‌جا خواهد آورد» (اشعیا ۹: ۷).

لذا بناست که تخت داوود تا ابد برقرار بماند. با این توصیفات، چه کسی می‌خواهد تا ابد بر این تخت بنشیند؟ او کسی نیست جز عیسای مسیح! متی مکرراً تأکید می‌کند که مردم، عیسی را پسر داوود می‌شناختند (ر.ک؛ متی ۹: ۲۷؛ متی ۱۲: ۲۳؛ متی ۱۵: ۲۲؛ متی ۲۰: ۳۰ و متی ۲۱: ۹). در اعمال رسولان هم چنین تأکید شده است: «ای برادران، می‌توانم درباره‌ی داوود پطریارخ با شما بی‌محابا سخن گویم... خدا برای او قسَم خورد که از ذریت صلب او به‌حسب جسد، مسیح را برانگیزاند، تا بر تخت او بنشیند» (اعمال رسولان ۲: ۲۹-۳۰).

مشکل اینجاست که اگر مسیح باید از نسل داوود باشد، نسبش تنها از طریق سلسله پادشاهی یهوایکین و یهوایقین به داوود می‌رسد (ر.ک؛ متی ۱: ۱۲). ترتولیان معتقد است که متی شجره‌نامه‌ی عیسی را از طریق مادرش مریم ذکر کرده است. ضمیر مؤنث استفاده‌شده در نسخه‌ی یونانی «متی ۱: ۱۶» نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند و در حقیقت، به‌رغم پیشگویی ارمیا که از نسل یهوایقیم و یهوه‌یاکین هیچ کس بر کرسی سلطنت داوود نمی‌نشیند، در عهدین مکرراً تأکید شده که مسیح از نسل یهوایقیم است و تا ابد بر کرسی سلطنت داوود تکیه می‌زند.

مفسران مسیحی برای ارائه‌ی راه حل در این ناسازگاری، تلاش می‌کنند تا این احتمال را مطرح کنند که سالتیئیل و زروبابل فرزندخوانده‌ی یهوایکین هستند. و در حقیقت، او فرزند نیری است که نسلشان به ناتان، برادر سلیمان^(ع)، و از آن طریق به داوود می‌رسد. در انجیل لوقا نیز نسب مسیح از طرق زروبابل و سالتیئیل به ناتان و بعد داوود می‌رسد، ولی این راه حل زیاد مناسب نیست و گرچه در نسب‌نامه‌ای که لوقا از مسیح نقل کرده است، دو نام زروبابل و سالتیئیل دیده می‌شود، ولی این می‌تواند یک مشابهت نامی باشد؛ زیرا اگر فرض کنیم که سالتیئیل پسرخوانده‌ی یهوه‌یاکین بوده، حداقل باید دیگر نام و تعداد اجداد عیسای مسیح تا سالتیئیل در انجیل متی و انجیل لوقا یکسان باشد، در حالی که هیچ شباهتی بین آن‌ها نیست. در نسب‌نامه‌ی لوقا، بین زروبابل تا مسیح، ۱۹ نسل وجود دارد (ر.ک؛ لوقا ۳: ۲۳-۲۷) و در نسب‌نامه‌ی متی، ۱۰ نسل فاصله هست (ر.ک؛ متی ۱: ۱۲-۱۶) و نام هیچ کدام از افرادی که در این بین

وجود دارند، حتی شبیه به هم نیست، تا بخواهیم احتمال دهیم سألثیل و زروبابل موجود در هر دو نسب‌نامه یک نفر هستند!

۲-۲-۳. مصر برای چهل سال به دست نبوکد نصر ویران و غیرمسکونی خواهد شد

حزقیال در کتاب خود، کلامی از خداوند نقل می‌کند که طبق ظاهر، از حادثه‌ای قریب‌الوقوع خبر می‌دهد:

«سرزمین مصر به ویرانه‌ای تبدیل خواهد شد... پس، من... مملکت مصر را از مجدل تا اسوان و تا مرز حبشه به کلی ویران می‌کنم. تا مدت چهل سال هیچ انسان یا حیوانی از آن عبور نخواهد کرد و آن کاملاً ویران و غیرمسکون خواهد بود. مصر را از سرزمین‌های ویران‌شده همسایه‌اش ویران‌تر می‌سازم و شهرهای مدت چهل سال خراب می‌مانند و مصری‌ها را به سرزمین‌های دیگر تبعید می‌کنم. خداوند می‌فرماید: بعد از چهل سال، دوباره مصری‌ها را از ممالکی که به آنجا تبعید شده بودند، به مصر بازمی‌آورم» (حزقیال ۲۹: ۱-۱۳).

در این پیشگویی، حزقیال بیان می‌کند خداوند وعده داده‌است که مصر چهل سال خالی از سکنه می‌شود (*וְלֹא יִשְׁבּוּ אֲרָבָיִם שָׁמָּה*).

گرچه طبق دیدگاه مترجمان ترجمه بین‌کلیسایی کتاب مقدس، نویسنده حزقیال می‌خواست بین چهل سال سرگردانی بنی‌اسرائیل در صحرای قادش با مجازات مصری‌ها مشابهت برقرار کند (ر.ک؛ کتاب مقدس ترسایان، پاورقی: حزقیال ۲۹: ۱۹)، ولی این پیشگویی از نگاه تاریخی قابل تصدیق نیست؛ زیرا در طول تاریخ، نمی‌توان چهل سالی را یافت که در آن، مصر خالی از سکنه شده باشد. از طرفی، این آیه نمی‌تواند درباره حادثه‌ای باشد که در آینده‌ای بسیار دور روی خواهد داد؛ زیرا در ابتدای این باب، یهوه می‌گوید: «ای پسر انسان، نظر خود را به طرف فرعون پادشاه مصر بدار و به ضد او و تمامی مصر نبوت نما» (حزقیال ۲۹: ۲). می‌دانیم که دوره پادشاهی فرعونیان دیگر به پایان رسیده، این پیشگویی محقق نشده‌است. تفسیر پولپیت اذعان کرده تاریخ چنین زمانی را به ما نشان نمی‌دهد که مصر چهل سال خالی از سکنه باشد و تلاش می‌کند منظور از چهل سال را صرفاً یک دوره زمانی بیان کند (Spence, 1884; Ezekiel 29:11).

حزقیال در ادامه پیشگویی قبلی، تصریح می‌کند که این نابودی مصر به دست نبوکد نصر رخ خواهد داد و پیشگویی می‌کند: «... پس، من که خداوند هستم، مملکت مصر را به نبوکد نصر، پادشاه بابل، می‌دهم، تا ثروت آن را به یغما ببرد» (حزقیال ۲۹: ۱۹).

«خداوندگار، یهوه، چنین می‌فرماید: به دست نبوکد نصر، پادشاه بابل، خلق بی‌شمار مصر را تباہ خواهم کرد (۱۱). او و لشکریانش که ستم‌کیش‌ترین قوم‌هایند، بدانجا آورده خواهند شد، تا آن سرزمین را ویران کنند. آنان بر مصر شمشیر خواهند کشید و زمین را از کشتگان آکنده خواهند ساخت... و جمعیت تیس را منقطع خواهم ساخت (۱۶). مصر را به آتش خواهم کشید... (۲۴). من بازوان پادشاه بابل را نیرو خواهم بخشید و شمشیر خود را در دست وی خواهم نهاد، اما بازوان فرعون را خواهم شکست... (۲۶). آری، من مصریان را در میان قوم‌ها پراکنده خواهم ساخت و در میان ممالک پخش خواهم کرد. آنگاه خواهند دانست که من یهوه هستم» (حزقیال ۳۰: ۲۶-۱۰).

ولی با توجه به اسناد تاریخی و بایبلی می‌دانیم پیشگویی حزقیال درباره سقوط مصر به دست نبوکد نصر به وقوع نپیوست و مصر در برابر نبوکد نصر استقامت کرد و حتی مصر پناهگاه دشمنان بابلیان گردید؛ چنان‌که کتاب مقدس بیان می‌کند، بعد از حمله نبوکد نصر به اورشلیم و به اسارت بردن یهودیان، جدلیا را بر معدود فقرایی که در اورشلیم باقی مانده بودند، حاکم قرار داد، ولی در ماه هفتم، برخی از سربازان یهودی که هنوز تسلیم نبوکد نصر نشده بودند؛ از جمله اسماعیل پسر نتنیا از خاندان سلطنتی یهودیه با ده نفر، جدلیا و بابلیان و نیز یهودیانی را که همراهش بودند، کشتند و از ترس بابلیان به همراه تمام باقی‌مانده قوم بنی‌اسرائیل، از خرد و بزرگ، مصر فرار کرد (دوم پادشاهان ۲۵: ۲۲-۲۶) و در آنجا پناهنده شدند.

طبق نقل تواریخ نیز نبوکد نصر در سال چهارم سلطنت آماسیس دوم (۵۶۷ ق.م.) به مصر حمله کرد، ولی آماسیس توانست حمله وی را دفع کند. پس از آن نیز بابلیان مشغول مشکلات داخلی خود شدند و مصر را رها کردند (Lloyd, 2002: 81-82). سال‌ها بعد، آماسیس در مقابل کورش نیز در حمله به مصر ایستادگی کرد و مانع پیشروی ایرانیان شد، اما شش ماه بعد از وفاتش (۵۲۶ ق.م.)، مصر به دست ایرانیان فتح شد و وی و پسرش پسامتیخ سوم که تنها شش ماه سلطنت کرد، آخرین حاکمان رسمی مصر محسوب می‌شوند (Ibid: 82). لذا برخلاف پیشگویی کتاب مقدس، بابلیان و پادشاهشان نبوکد نصر نتوانستند مصر را فتح کنند. شارحان کتاب مقدس نیز اذعان دارند که نبوکد نصر بعد از نبردش با آماسیس نتوانست مصر را تصرف کند و پیشگویی حزقیال محقق نشد (کتاب مقدس ترسایان پاورقی حزقیال ۲۹: ۱۹).

۲-۲-۴. صور به دست نبوکد نصر ویران خواهد گشت

کتاب مقدس علاوه بر ویرانی مصر، ویرانی کامل شهر صور را نیز پیشگویی نموده است و جالب اینجاست که این پیشگویی نیز محقق نشده است! حزقیال می نویسد:

«اینک ای صور، من بر ضد تو هستم... (۴). آنان حصارهای صور را خراب کرده، برج‌هایش را فروخواهند ریخت و من خاکش را از او خواهم رُفت و او را به صخره‌ای عریان بدل خواهم کرد...؛ زیرا خداوندگار، یهوه، چنین می فرماید: اینک من شاه شاهان، نبوکد نصر، پادشاه بابل را با اسبان و ارابه‌ها و با سواران و لشکری از سربازان بسیار، از جانب شمال بر ضد صور برخوادم آورد (۸). او دخترانت را در صحرا به شمشیر خواهد کشت و بر ضد تو سنگرها خواهد ساخت... منجنیق‌هایش را به سوی حصارهای نشانه خواهد رفت و برج‌هایش را به تیرهای خود منهدم خواهد ساخت... همه کوجه‌هایش را به سُم اسبانش پایمال کرده، مردمانت را به شمشیر خواهد کشت» (حزقیال ۲۶: ۱۴-۳).

در جای دیگر می گوید:

«دولت و محصولات و کالاهای تو، و ملوانان و ناخدایان و تعمیر کنندگان درزهایت، و سوداگران کالاها و همه مردان جنگی تو، با تمامی کسانی که در میان تو هستند، در روز سقوط تو به قعر دریا فروخواهند رفت» (حزقیال ۲۷: ۲۶-۲۸). همچنین، می گوید: «جمله آنان، از میان قوم‌ها که تو را می شناختند، از تو در شگفت شدند. به سرانجامی دهشتناک رسیده‌ای و دیگر تا به ابد نخواهی بود» (حزقیال ۲۸: ۱۹). حزقیال که از تخریب همیشگی صور اطمینان داشت، چند مرتبه بر ویرانی همیشگی صور تأکید می کند. سخنان شدیداللقن حزقیال درباره صور، طی ۳ فصل ادامه می یابد. اما تاریخ می گوید که برخلاف پیشگویی حزقیال، نه تنها نبوکد نصر صور را نابود نکرد، بلکه حتی نتوانست این شهر را به طور کامل تسخیر نماید (Albertz, Israel in Exile: 57). نبوکد نصر حاشیه صور را تسخیر نمود، اما هیچ گاه موفق نشد بخش جزیره‌ای آن را که محل سکونت بزرگان صور بود، تصرف نماید. از این نظر، به سختی می توان گفت که نبوکد نصر تمام صور را تخریب کرده است. از این رو، پیشگویی حزقیال را نمی توان به عنوان یک پیشگویی محقق شده به حساب آورد (Butt, Tyre in Prophecy: 75).

خود حزقیال هم اذعان دارد که پیشگویی اش درباره صور تحقق نیافت:

«در سال بیست و هفتم تبعیدمان، در روز اول ماه اول، از طرف خداوند این پیغام به من رسید: ای انسان خاکی، وقتی نبوکد نصر، پادشاه بابل، با مملکت صور می جنگید،

سربازانش آنقدر بارهای سنگین حمل کردند که موهای سرشان ریخت و پوست شانه‌هایشان ساییده شد. اما از آن همه زحمتی که در این جنگ کشیدند، چیزی نصیب نبوگد نصر و سربازانش نشد» (حزقیال ۲۹: ۱۷-۱۸).

۲-۲-۵. مسیح سه شبانه‌روز در قبر خواهد بود

بنا بر الهیات مسیحی، عیسی مسیح بعد از مصلوب شدن، در داخل قبر گذارده شد و بعد از سه روز، دوباره زنده شد و از قبر قیام کرد. این مسئله را خود عیسی پیش از مرگش پیشگویی کرده بود: «زیرا همان طور که یونس سه شبانه‌روز در شکم آن ماهی بزرگ ماند، من نیز سه شبانه‌روز در دل زمین خواهم ماند» (انجیل متی ۱۲: ۴۰). مسیح تأکید می‌کند که سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود. عبارت یونانی انجیل متی بدین شرح است:

Transliteration Greek English

treis τ ρ ε ἰς three سه

hēmeras ἡ μ ἔ ρ ας days روز

kai κ αὶ and و

treis τ ρ ε ἰς three سه

nyktas νύκτας nights. شب

این مسئله به داستان یونس اشاره دارد. طبق عهد عتیق، هنگامی که یونس برای شانه خالی کردن از فرمان خداوند به ترشیش گریخت، در دریا گرفتار طوفان شد و ساکنان کشتی بعد از انداختن قرعه، وی را به دریا انداختند و ماهی وی را بلعید و وی سه روز و سه شب (שָׁלוֹשָׁה יָמִים וּשְׁלוֹשָׁה לַיְלֹתָא با آوای šə-lō-šāh yā-mîm ū-šə-lō-šāh lê-lō-wt) در شکم ماهی بود (یونس ۱: ۱۷).

در انجیل مرقس هم درباره این پیشگویی آمده است: «آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که لازم است پسرانسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان رد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد» (مرقس ۸: ۳۱). در این آیه، مسیح پیش‌بینی می‌کند که بعد از (μ ε τ ἄ= after) سه روز (τ ρ ε ἰς ἡ μ ἔ ρ ας = three days) از میان مردگان برمی‌خیزد.

طبق گزارش اناجیل، مسیح در ساعت نهم روز قبل از سبت (شنبه)، یعنی جمعه، جان داد (مرقس ۱۵: ۴۲). همان شب، نیکودیموس نزد پیلاتوس رفت و اجازه تدفین او را گرفت (مرقس ۱۵: ۴۲-۴۷). یکشنبه صبح زود، وقتی هنوز هوا تاریک بود، مریم مجدلیه بر سر قبر آمد

و قبر را خالی یافت (یوحنا ۲۰: ۱). در نتیجه، کل مدت اقامت مسیح در قبر، دو شب کامل و یک روز کامل بوده است، در حالی که طبق پیشگویی خود عیسی، او باید سه شب و سه روز ($\tau\rho\varepsilon\tilde{\iota}\varsigma\ \eta\mu\acute{\epsilon}\rho\ \alpha\varsigma\ \kappa\alpha\tilde{\iota}\ \tau\rho\varepsilon\tilde{\iota}\varsigma\ \nu\acute{\upsilon}\kappa\tau\ \alpha\varsigma = \text{three days and three nights}$) در قبر بماند.

ادام کلارک از ربی الیغازار نقل کرده عیسی مسیح سه اوانه در قبر بود که در متن یونانی به صورت سه شب و سه روز مطرح شده است. اوانه از نیمه شب تا نیمه شب حساب می شود و بخشی از اوانه نیز اوانه است. در زبان عبری نیز برای اشاره به قسمتی از یک روز نیز از اصطلاح «روز» استفاده می شود (برای نمونه، ر.ک؛ استر ۴: ۱۶؛ استر ۵: ۱ و اول سموئیل ۳۰: ۱۲-۱۳). از آنجا که عیسی قسمتی از جمعه و تمام شنبه و قسمتی از یکشنبه را در قبر بود، می توان گفت که سه روز در قبر بوده است. از عصر جمعه تا سحرگاه یکشنبه، یک اوانه کامل و دو قسمت از اوانه جمعه و یکشنبه را خواهیم داشت که روی هم رفته سه اوانه خواهد بود (هلی، ۲۰۰۰ م: ۴۷۵).

باید توجه کرد که در هیچ متنی نیامده که مسیح سه اوانه در قبر بود، بلکه در نسخه های یونانی بر عبارت «سه شب و سه روز» تأکید شده است. علاوه بر اینکه در یهودیت، یک شبانه روز از غروب تا غروب روز بعد محاسبه می شود (ر.ک؛ پیدایش ۱: ۵). همچنین، در استر و اول سموئیل نیز مشخص نیست که بخشی از روز به عنوان یک روز کامل محاسبه شده باشد؛ زیرا در «استر ۴: ۱۶»، وی از مُردخای می خواهد:

«برو و تمامی یهود را که در شوشن یافت می شوند، جمع کن و برای من روزه گرفته، سه شبانه روز چیزی نخورید و میاشامید و من نیز با کنیزانم همچنین روزه خواهیم داشت و به همین طور، نزد پادشاه داخل خواهم شد، اگرچه خلاف حکم است و اگر هلاک شدم، هلاک شدم! مردخای نیز به دستور استر عمل می کند. در «استر ۵: ۱» آمده است که بعد از تمام شدن روز سوم ($\text{וַיְהִי אֶרְבַּע יָמִים הַנְּשִׂאֵלִים}$)، استر لباس ملوکانه پوشیده، به صحن دروازه اندرونی پادشاه، در مقابل خانه پادشاه ایستاد و پادشاه، بر کرسی خسروی خود در قصر سلطنت، روبه روی دروازه خانه نشسته بود. هنری هلی در ترجمه متن مذکور دچار اشتباه شده است و «بعد از تمام شدن روز سوم» را به «در روز سوم» ترجمه کرده است و می خواهد نتیجه گیری کند که با وجود اینکه روز سوم، روزه هنوز تمام نشده بود، کتاب مقدس آن را یک روز به حساب آورده است. این در حالی است که واژه ($\text{וַיְהִי אֶרְבַּע יָמִים}$) با آوای (way-hî) به معنای «بعد از گذشتن» و «تبدیل شدن» است (hayah) (הָיָה)، نه به معنی «بعد

از آمدن». امروزه یهودیان نیز تمام این سه روز را به عنوان ایام پوریم روزه می‌گیرند، نه بخشی از آن را.

وانگهی، حتی اگر بخشی از روز را هم یک روز کامل به حساب بیاوریم، باز هم سه روز و سه شب تکمیل نمی‌شود (توجه شود در انجیل متی، پیشگویی نشده سه شبانه‌روز، بلکه تأکید شده سه شب و سه روز)؛ زیرا بخشی از روز جمعه (روز اول)، شب شنبه (شب اول)، روز شنبه (روز دوم)، شب یکشنبه (شب دوم) را داریم؛ زیرا صبح روز یکشنبه، زمانی که هوا تاریک بود، مریم مجدلیه با قبر خالی روبه‌رو شد (ر.ک؛ یوحنا ۲۰: ۱). بنابراین، باز عیسی تنها دو شب و دو روز در قبر بوده‌است، نه سه شب و سه روز. اگر بخواهیم درباره‌ی روز یکشنبه نیز مسامحه کنیم و با وجود اینکه عیسی پیش از روشنایی روز از قبر برخاسته بود، آن روز را نیز یک روز کامل به حساب بیاوریم، باز هم عیسی سه روز و دو شب در قبر بوده‌است، در حالی که می‌باید سه شب و سه روز در داخل قبر باشد.

برخی از مدافعان مسیحی نیز برای حل این مشکل معتقد شدند عیسی روز پنج‌شنبه مصلوب شده‌است؛ زیرا اگر عیسی روز پنج‌شنبه مصلوب شده باشد، می‌توان گفت که سه روز در قبر بوده و «متی ۱۶: ۲۱» و «لوقا ۹: ۲۲» نیز تعلیم می‌دهند که عیسی روز سوم قیام می‌کند. بنابراین، او مجبور نبود تمام سه شبانه‌روز را در قبر بگذراند (de Vries, 2011: 142-143).

گرچه ادعای مصلوب شدن در روز پنج‌شنبه دلیلی ندارد و برخلاف ظاهر متن است و مسیحیان هر سال روز جمعه را به عنوان جمعه‌الصلیب گرامی می‌دارند و در تمام طول سال نیز به روزه گرفتن روز جمعه به عنوان یادبود صلیب مسیح توصیه می‌کنند، ولی باز با این حساب نیز رقم سه روز و سه شب تکمیل نمی‌شود؛ زیرا طبق این روش، عیسی شب جمعه (شب اول)، روز جمعه (روز اول)، شب شنبه (شب دوم)، روز شنبه (روز دوم)، و شب یکشنبه (شب سوم) را در قبر بود و همان شب یکشنبه وقتی هنوز هوا تاریک بود، از قبر برخاست. لذا به عدد سه روز و سه شب نخواهیم رسید. علاوه بر این، باید توجه داشت که گرچه این آیات با سایر آیات، از جمله مرقس ۸: ۳۱ می‌گوید که عیسی «بعد» (after) از «سه روز» ($\mu \epsilon \tau \alpha \varsigma \tau \rho \epsilon \tilde{\iota} \varsigma \eta \grave{\nu}$) $\mu \epsilon \rho \alpha \varsigma = \text{three days}$ برمی‌خیزد، ناسازگاری دارد؛ زیرا عیسی بعد از دو روز از قبر برخاسته‌است و نه بعد از سه روز.

برخی دیگر از مسیحیان نیز مدعی مصلوب شدن عیسی در چهارشنبه شده‌اند (John Edmunds, 2013, p. 26). اینکه انجیل می‌گوید روز مصلوب شدن عیسی، قبل از سبت بود، این گونه توجیه می‌شود که در آن هفته، دو سبت وجود داشته‌است. اولین «سبت»، عید پسخ

بوده است. در کتاب مقدس، روزهای عید نیز سبت خوانده شده اند (ر.ک؛ لاویان ۱۶: ۲۹-۳۱ و ۲۳: ۲۴-۳۲ و ۳۹)، و این روزها الزاماً روز هفتم هفته نیستند. سبت دوم نیز سبت معمولی هفتگی بود. طبق این نظریه، عیسی نزدیک غروب چهارشنبه دفن شد، پنجشنبه عید فصح و سبت اول بود. در نتیجه، چنین خواهد بود که شب پنجشنبه (شب اول)، پنجشنبه (روز اول)، شب جمعه (شب دوم)، روز جمعه (روز دوم)، شب شنبه (شب سوم) و روز شنبه (روز سوم). ما دقیقاً نمی دانیم که او در چه موقع قیام کرد، اما می دانیم که قبل از طلوع آفتاب یکشنبه بود (یوحنا ۲۰: ۱، مریم مجدلیه «وقتی هنوز تاریک بود» آمد). بنابراین، او می توانسته بلافاصله بعد از غروب شنبه قیام کرده باشد که شروع اولین روز هفته برای یهودیان است. ولی این نظریه نیز با مشکلاتی اساسی روبه رو است؛ زیرا گرچه این مدافعان تلاش کردند با جابه جایی روز مصلوب شدن مسیح تعداد روزهایی که او در قبر بوده را به سه روز کامل برسانند، ولی توجه نکردند در بخش دیگری از کتاب مقدس بیان شده که روز یکشنبه روز سوم مصلوب شدن مسیح بوده است؛ زیرا لوقا می نویسد شاگردانی که عیسی را شناختند و در روز یکشنبه قیام، با عیسی در راه عمواس می رفتند، گفتگویی با عیسی «در همان روز» قیام انجام دادند (لوقا ۲۴: ۱۳). برای او از ماجرای صلیب تعریف می کنند (۲۴: ۲۱) و می گویند که «امروز روز سوم از این وقایع است» (لوقا ۲۴: ۲۲). این در حالی است که اگر عیسی روز چهارشنبه مصلوب شده باشد، روز یکشنبه، روز پنجم خواهد بود. عیسی باید روز جمعه مصلوب شده باشد، تا روز یکشنبه روز سوم این وقایع باشد. بروس ام. متسگر نیز متذکر می شود که برخی از ترجمه ها تلاش کرده اند به جای عبارت «بعد از سه روز»، از عبارت «روز سوم» استفاده کنند، تا بتوانند این تناقض را مرتفع سازند. (Metzger, 2005: 199-200).

۶-۲-۲. مسیح در آینده ای بسیار نزدیک باز خواهد گشت

در دوران عیسی، یهودیان برای آمدن موعود روزشماری می کردند و بسیاری از شاگردان مسیح نیز به گمان اینکه عیسی مسیح می خواهد اسرائیل را نجات دهد (ر.ک؛ لوقا ۲۴: ۲۱) و حکومت رومیان را نابود کند، بر گرد او جمع شدند. مسیح نیز با شاگردانش مکرراً از وقایع آخرالزمان سخن می گفت. شاگردان برای فرارسیدن آن روز لحظه شماری می کردند و مکرراً از عیسی می پرسیدند که این امور چه زمانی واقع خواهد شد. عیسی مسیح به ایشان وعده می داد که آن زمان بسیار نزدیک است و تا این نسل موجود منقرض نشده، وقایع سخت و طاقت فرسای آخرالزمان، از جمله وقوع جنگ ها، زلزله ها و... رخ خواهد داد، دجال ظهور خواهد کرد و در

پی آن، زمان آمدن موعود فرامی‌رسد. به عنوان مثال، متی می‌نویسد شاگردان عیسی نزد او آمده، از او پرسیدند: «به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟» (متی ۲۴: ۳). عیسی مسیح در پاسخ گفت: «تا زمانی که هنوز این نسل منقرض نشدند، او باز خواهد گشت» (متی ۲۴: ۳۴). همچنین مرقس بیان می‌کند: «هر آینه به شما می‌گویم "بعضی از ایستادگان در اینجا" (= τ υ ν ε ς ὧ δ ε τ ὧ ν ἔ σ τ η κ ὀ τ ω ν = some here of those standing) هستند که تا ملکوت خدا را که به قوت می‌آید، نبینند، ذائقه موت را نخواهند چشید» (مرقس، ۹: ۱).

عیسی حتی به نحو شدیدتری بر این مسئله تأکید می‌کند و به مخاطبان اطمینان می‌دهد که حتماً این پیشگویی رخ خواهد داد:

«وقتی دیدید آنچه گفتم رخ داده، بدانید که پایان کار بسیار نزدیک شده‌است.

مطمئن باشید این نسل خواهد ماند و این وقایع را خواهد دید. آسمان و زمین از میان

خواهد رفت، ولی سخنان من تا به ابد پابرجا خواهد ماند» (مرقس ۱۳: ۲۹-۳۱).

لوقا نیز بر همین مسئله تأکید می‌کند: «آمین، به شما می‌گویم تا همه این امور واقع نشود، این نسل نخواهد گذشت. آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخنان من هرگز زوال نخواهد پذیرفت» (لوقا، ۲۱: ۳۲-۳۳).

مژده مسیح به نزدیک بودن ملکوت آسمان و بازگشت وی حس انتظار زیادی را در مسیحیان اولیه پدید آورده بود، به گونه‌ای که وقتی چند نفر از مسیحیان تسالونیک‌ای از دنیا رفتند، برای مسیحیان این سؤال به وجود آمد که وقتی مسیح بازگردد، تکلیف مسیحیان مرده چه خواهد شد! آیا آن‌ها هم می‌توانند مانند زندگان به آسمان بروند؟ پولس در جواب نامه آنان چنین نوشت: «بلی، ایشان زنده خواهند شد و به همراه زندگان به آسمان‌ها رفته می‌شوند» (اول تسالونیکیان، ۴: ۱۶-۱۷). شدت انتظار در این شهر، برخی از مسیحیان را واداشته بود تا کار و زندگی را رها کنند و به انتظار آمدن مسیح بنشینند. پولس در نامه‌ای دیگر به ایشان یادآور شد تا دجال نیاید، مسیح ظهور نخواهد کرد (دوم تسالونیکیان، ۲: ۳).

پطرس با اشاره به اینکه خود عیسی فرارسیدن پادشاهی خداوند را اتفاقی ناگهانی و بسیار نزدیک می‌دانست، می‌گوید: «مانند کسی که منتظر هر اتفاقی است، منتظر آمدن عیسی مسیح باشید» (اول پطرس، ۱۳: ۱). او معتقد بود که «پایان همه چیز نزدیک است» (اول پطرس، ۴: ۷) و زمان داوری نیز آغاز شده است (اول پطرس ۴: ۱۷).

به‌رغم تأکید عیسی بر اینکه تا «بعضی از ایستادگان در اینجا» ($\tau \iota \nu \epsilon \varsigma \tilde{\omega} \delta \epsilon \tau \tilde{\omega}$) یا «این نسل» ($\eta \nu \epsilon$) یا «some here of those standing not will have passed» ($\nu \epsilon \grave{\alpha} \alpha \tilde{\upsilon} \tau \eta =$ the generation this) «منقرض نشدند» ($\nu \epsilon \grave{\alpha} \alpha \tilde{\upsilon} \tau \eta =$ the generation this) «منقرض نشدند» (away = $\mu \eta \pi \alpha \rho \epsilon \lambda \theta \eta$)، باز خواهد گشت و ملکوت آسمان رخ خواهد داد. نیاز به گفتن نیست که نسل مورد بحث و مردمانی که در زمان عیسی می‌زیستند، مدت‌هاست از بین رفته‌اند و خبری از بازگشت عیسی نشده‌است. این بدان معناست که پیشگویی عیسی در این آیات محقق نشده‌است.

نتیجه‌گیری

طبق آموزه‌های عهدین، تحقق پیشگویی یکی از ابزارهای راستی‌آزمایی مدعای نبوت است و یکی از معجزات رایج انبیای عهد عتیق، پیشگویی‌های متعددی است که از آن‌ها سخن رفته‌است. در عهدین، صدها پیشگویی کوچک و بزرگ از اتفاقات آینده انجام شده‌است و بر اساس گزارش‌های عهدین، بسیاری از این پیشگویی‌ها در همان دوره زمانی پیامبران در عهد عتیق رخ داده که تحقق یافتن برخی از آن‌ها را با قطعیت می‌توانیم تأیید کنیم؛ مانند پیشگویی‌هایی درباره ظهور مسیح و یا حمله کورش و نجات از اسارت بابل و... اما به اعتقاد بسیاری از منتقدین عهدین، برخی از این پیشگویی‌ها که محدود به زمان و مکان، یا نسل خاصی بوده‌اند، هرگز تحقق نیافتند و حتی بسیاری از مفسران و الهی‌دانان مسیحی نیز این عدم تحقق را تأیید می‌کنند؛ مانند پیشگویی نابوید اقوام هفتگانه، از نسل یهو یا کین و یهو یا قیم کسی بر کرسی داوود نمی‌نشیند، نابودی صور و مصر به دست نبوکد نصر، پیشگویی اینکه مسیح سه شب و سه روز در دل قبر خواهد بود و پیشگویی بازگشت قریب‌الوقوع مسیح از آسمان تا قبل از اینکه نسل معاصران مسیح منقرض شوند و این مسأله یکی از چالش‌هایی است که مدافعان عهدین با آن روبه‌رو هستند و می‌تواند به نوعی باور به عدم تحریف عهدین را زیر سؤال ببرد و مبتنی بر معیار خود کتاب مقدس، یعنی تحقق پیشگویی‌ها ملاکی برای راستی‌آزمایی مدعی نبوت شناخته می‌شود و اعتبار عهدین مورد خدشه قرار می‌گیرد، در حالی که در قرآن تمام پیشگویی‌های زمانمند آن محقق شده‌است و این تحقق می‌تواند مهر تأیید مکرری بر ادعای وحیانی بودن قرآن شمرده شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID
Mohammad Sahhaf  <https://orcid.org/0000-0002-83130499x>
Kashani

منابع

- کتاب مقدس ترسایان. مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین‌الکلیسایی کتاب مقدس. (۲۰۱۵ م.) کانون یوحنا
رسول. سایت ایران کاتولیک (<http://irancatholic.com>).
- هلی، هنری. (۲۰۰۰ م.). راهنمای کتاب مقدس. ترجمه جسیکا باباخانیان و دیگران. هلند: انتشارات ۲۲۲.
کامرانیان، عباسعلی. (۱۳۸۹). پیشگویی‌های قرآن مجید. نور قرآن و اهل بیت. بی‌جا: بی‌نا.
- Alamo, Tony, Christian Ministries Worldwide. (1980). *The Messiah According to Biblical Prophecy*. Tony Alamo.
- Albertz, R. (2003). *Israel in Exile: The History and Literature of the Sixth Century BCE*. Atlanta: Society of Biblical Literature (460 s).
- Broderick, R. (1990). *Catholic Encyclopedia*. Thomas Nelson. Retrieved from <http://newadvent.org/cathen/12473a.html> on 2022-02-23.
- Bromiley, G. (1995). *The International Standard Bible Encyclopedia*. 4 Vol. William B. Eerdmans. Publishing Company.
- Butt, Kyle. (2006). "Tyre in Prophecy". *Reason & Revelation*. 24 (10). 73-79.
- De Vries, P. (2011). *The Cradle, the Cross and the Crown: An Introduction to the New Testament*. Bespreking van: AJ Köstenberger.
- LS Kellum (2009). "The Cradle, the Cross and the Crown: An Introduction to the New Testament". *Ecclesia*. 102 (11). 85-86.
- Ellicott, C. (Ed.). (2015). *Ellicott's Bible Commentary*. Vol. 1. Delmarva Publications, Inc.
- Herman, G. (2012). *A Prince without a Kingdom: The Exilarch in the Sasanian Era*. Vol. 150. Mohr Siebeck.
- Gill, J. (1810). *John Gill's Exposition of the Entire Bible*. Alabama: Baptist Standard.
- Hitchcock, M. (2001). *101 Answers to the Most Asked Questions about the End Times*. Multnomah.
- Jamieson, R., Jamieson, (1999.) *Fausset and Brown's Commentary on the Whole Bible*. Zondervan. New Edition.
- John Edmunds. (2013). *The Seven Sayings of Christ on the cross*. Nabu Press.
- Lloyd, Alan B. (2002). "The Late Period". In: *Shaw, Ian ed., the Oxford History of Ancient Egypt*. Oxford: Oxford University Press.

- Metzge, Bruce M. & Ehrman, Bart D. (2005). *the Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption, and Restoration*. Oxford: Oxford University Press.
- Spence-Jones, H.D.M. (1884). *The Pulpit Commentary*. (Vol. 13). Anson DF Randolph. Ezekiel 29:11.
- Wayne, H. (2003). *Carts of Bible Prophecy*. Zondervan: House & Price Randall.
- Wilson, R. (1987). *Biblical Prophecy*. In: *Macmillan Encyclopedia of Religion*. (Vol. 12). New York: *Macmillan Library Reference*.
הַיָּהוּ (hayah) in: <http://biblehub.com/hebrew/1961.html>.
- Payne, J. B. (2020). *Encyclopedia of Biblical Prophecy: The Complete Guide to Scriptural Predictions and Their Fulfillment*. Wipf and Stock Publishers.
- Lockyer, H. (1988). *All the Messianic Prophecies of the Bible*. Zondervan.
- Nissinen, M. (2017). *Ancient Prophecy: Near Eastern, Biblical, and Greek Perspectives*. Oxford University Press.
- Hibbard, J.T. (2011). "True and False Prophecy: Jeremiah's Revision of Deuteronomy". *Journal for the Study of the Old Testament*, 35 (3). 339-358.
- Bowen, N. R. (1994). *The Role of Yhwh as Deceiver in true and False Prophecy*. Princeton Theological Seminary.

References

- The Thessalian Bible*. Introduction and explanations according to the inter-church translation of the *Bible*. (2015 AD). John the Apostle Center. Iran Catholic site (<http://irancatholic.com>). [In Persian].
- Hely, Henry. (2000 AD). *Guide to the Bible*. Translated by Jessica Babakhanian and others. The Netherlands: Publications 222. [In Persian].
- Kamranian, Abbas Ali. (2010). *Prophecies of the Holy Quran. The light of the Qur'an and Ahl al-Bayt*. Up: NP. [In Persian].

استناد به این مقاله: محمد صحاف کاشانی. (۱۴۰۲). قرآن و عهدین و مسأله تحقق پیشگویی‌ها. پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه. دوره ۴، شماره ۶: صص ۱۲۵-۱۴۴.

DOI: 10.22054/JCST.2023.72972.1117



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Theology is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.